



Muslim-Christian Dialogues in the Mughal Court: Context, Process and Achievements

Milad Mirchenari¹  | Javad Morshedloo²  |

1. MA. in History, Department of History, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Iran' Secretary of History of Education of Isfahan District 3. E-mail: mirchenarii.milad@gmail.com
2. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of History, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: j.morshedloo@modares.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 19Nove2023

Received in revised

form: 13Janu2024

Accepted: 2Marc2024

Publishedonline: 8April2024

Key word:

Âyine-ye Haqnomā,

Jahangir,

Majālis Jahangiri,

Muslim-Christian

Controversy,

Jesuits.

ABSTRACT

In this study, we investigate a period of Muslim-Christian controversy that occurred in Mughal India. Our research aims to analyze the background, quality, and outcomes of this religious dialogue within the context of the tradition of Islamic-Christian debates. We consider the influence of both the Mughal kings' cultural attitudes and the unique conditions of the time on the discourse. Our review draws upon reports and narratives written by witnesses present during these conversations. Notably, we examine two primary sources: the large Persian refutation called *Ayine Haqnomā*, authored by Jerome Xavier, a Portuguese Jesuit, and an account of religious debates compiled as *Majālis Jahangīrī* by Abdul Sattar Lahuri. The central focus of our research lies in portraying the quality of these court conversations during Jahangir's reign and understanding his role in shaping the debate's context. Additionally, we analyze the content, nature, logic, and achievements of this controversial dialogue. Our findings reveal that while the Muslim-Christian dialogue in the Mughal period continues the tradition of Islamic-Christian debates, it is significantly influenced by some contemporary factors such as the Mughal kings' cultural and religious attitudes, the formal use of Persian language, and the emergence of Portuguese colonialism.

Cite this article: **Mirchenari, Milad & Morshedloo, Javad** (2024). **Muslim-Christian Dialogues in the Mughal Court: Context, Process, Achievements**. *Journal of Historical Researches of Iran and Islam*, vol 18, No.34 Pages 284-311.

DOI. 10.22111/JHR.2024.45933.3581



© The Author: **Milad Mirchenari & Javad Morshedloo**
Publisher: University of Sistan and Baluchestan



گفتگوی دینی مسلمانان و مسیحیان در دربار گورکانی: زمینه، کیفیت و دستاوردها

میلاد میرچناری^۱، جواد مرشدلو^۲

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس و دبیر تاریخ آموزش و پرورش ناحیه ۳ اصفهان، تهران، ایران. رایانامه: mirchenarii.milad@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: j.morshedloo@modares.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

در پژوهش حاضر مقطعی از گفتگوهای دینی مسلمانان و مسیحیان بررسی می‌شود که در هند دوره گورکانی صورت پذیرفته است. مسئله پژوهش ناظر بر واکاوی زمینه، کیفیت و نتایج این گفتگوی دینی در چهارچوب سنت مجادلات اسلامی-مسیحی و تأثیری است که دو عامل زمینه‌ای بر روند و جهت‌گیری گفتگویی آن داشته است؛ نخست، نگرش فرهنگی شاهان گورکانی، به‌ویژه جهانگیر شاه و دوم، شرایط ویژه زمانه که ظهور استعمار پرتغال و بازوی فرهنگی آن یعنی تبشیر مسیحی محور آن بود. مبنای استنادی بررسی، گزارش‌ها و روایاتی است که به قلم افراد حاضر در متن گفتگوها نگاشته شده است. این گزارش‌ها در مرتبه نخست، شامل یک ردیه حجیم فارسی با نام آئینه حق‌نما، نوشته ژروم گزایوه، مبشر یسوعی پرتغالی و نیز، تقریری از مناظره‌ها و مجادلات دینی است که زیر عنوان مجالس جهانگیری توسط عبدالستار لاهوری گردآوری شده است. محتوای این منابع در کنار دیگر مطالب و شواهد مرتبط، با یک رهیافت تحلیلی-استنباطی، ارزیابی و در جهت پاسخ به پرسش محوری پژوهش استفاده شده است. تمرکز اصلی پژوهش بر ترسیم نمایی از کیفیت این گفتگوها در دربار جهانگیر کورگانی و تبیین سهم وی در شکل‌گیری فضای این مناظرات است. همزمان، چندوچون حضور نمایندگان ادیان در متن گفتگوها، محتوا و سرشت آن، منطق مجادله و دستاوردهای آن نیز واکاوی می‌شود. نتیجه بررسی نشان می‌دهد که سرشت و چهارچوب گفتگوی دینی میان مسلمانان و مسیحیان در دوره گورکانی، در عین اینکه آن را می‌توان تداومی از سنت جدل اسلامی-مسیحی قلمداد کرد، آشکارا از عوامل و مؤلفه‌های زمانه تأثیر پذیرفته بود. این عوامل عبارت بودند از نگرش فرهنگی و دینی شاهان گورکانی، نفوذ و رسمیت زبان فارسی به‌مثابه زبان رسمی دربار و دیوان حکومت گورکانی و نیز، ظهور و گسترش استعمار پرتغال که تبشیر مسیحی با محوریت یسوعیان گفتمان فرهنگی آن را نمایندگی می‌کرد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

واژه‌های کلیدی:

آئینه حق‌نما،

جهانگیر گورکانی،

مجادله مسلمان-مسیحی،

مجالس جهانگیری،

یسوعیان (ژزوئیت).

استناد: میرچناری، میلاد و مرشدلو، جواد (۱۴۰۳) گفتگوی دینی مسلمانان و مسیحیان در دربار گورکانی: زمینه، کیفیت و دستاوردها، پژوهش‌های تاریخی

ایران و اسلام، بهار و تابستان ۱۴۰۳، دوره ۱۸، شماره پیاپی ۳۴، ص ۲۸۴-۳۱۱.

DOI. 10.22111/JHR.2024.45933.3581

© نویسندگان . میلاد میرچناری و جواد مرشدلو

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان





مقدمه

شبه‌قاره هند در گذر تاریخ مهد ظهور، تکوین و شکوفایی ادیان و مذاهب گوناگونی بوده است که پیروان آن‌ها در کنار یکدیگر همزیستی به نسبت مسالمت‌آمیزی داشته‌اند. گسترش اسلام در این سرزمین ابعاد تازه‌ای به این تنوع دینی و مذهبی بخشید و هند در گذر چند سده پذیرای یک جمعیت پرشمار مسلمان با خاستگاه‌های متفاوت شد. از سده هفتم هجری به بعد، سلسله‌های اسلامی در بخش‌هایی از هند ظهور کردند و قلمرو قدرت و نفوذ مسلمانان به تدریج گسترده‌تر شد.^۱ این روند باروی کار آمدن گورکانیان (مغولان کبیر) در ابتدای سده دهم/شانزدهم به مرحله جدیدی وارد شد. بابر که تبار تیموری داشت و از ماوراءالنهر به هند رانده شده بود، بزرگ‌ترین دودمان مسلمان هند را بنیان نهاد. دودمانی که حیات آن به مدت چهار سده پایید و مقدر بود شاهد گسترش استعمار اروپایی در این سرزمین باشد. طلایه‌داران این تحول پرتغالی‌ها بودند که در همان سده دهم/شانزدهم با استفاده از خلأ اقتداری که در جنوب هند وجود داشت، جای پای خود در این سرزمین دست‌وپا کنند. حضور پرتغالی‌ها در هند و تسلط آن‌ها بر بخش‌هایی از جنوب این سرزمین آغاز روند جدیدی در تاریخ فرهنگی این سرزمین بود. چندان نیاید که مبشران کاتولیک از فرقه‌های مختلف مسیحی به دربار شاهان گورکانیان راه گشودند و آن را فضای مناسبی برای ترویج آیین خویش یافتند. جلال‌الدین اکبر (۱۰۱۴-۱۶۰۵/۹۶۳-۱۵۵۶) و نورالدین جهانگیر (۱۰۳۶-۱۶۰۵/۱۰۱۴-۱۶۲۷/۱۶۰۵) پسرش، دو پادشاه شاخص این دودمان بودند که سیاست ویژه‌ای بر محور رواداری در قبال پیروان ادیان مختلف در هند اتخاذ کردند.

این سیاست که آن را می‌توان ترجمان تدبیر این شاهان برای فراهم آوردن زمینه یک همزیستی صلح‌آمیز در قلمروشان تلقی کرد، در زمانه‌ای که هند پذیرای یک تنوع کم‌نظیر از پیروان ادیان و فرق مختلف برهمن، بودایی، سیک، زرتشتی، مسلمان و مسیحی بود، بستر بی‌سابقه‌ای برای گفتگوی دینی فراهم کرد. جلوه‌ای از این گفتگوها در «مجالس جهانگیری» بروز یافت. در این

مجالس نمایندگان ادیان و فرق مذکور حضور فعالی داشتند و در مقام نماینده کیش و مذهب خود، در جهت دفاع از حقانیت آن و منکوب کردن رقیب کوشیدند. اهمیت این تحول برای ما ناظر بر مشارکت مسلمانان، اعم از اهل سنت و شیعیان در این گفتگوها و گزارشی است که ایرانیان حاضر در آن به دست داده‌اند. وانگهی، جایگاه ممتاز زبان فارسی در هند گورکانی ایجاب کرد که چهره‌های چون ژروم گزایوه از مبشران سرشناس یسوعی چندین سال در جهت یادگیری این زبان بکوشد و ردیه حجیمی به فارسی بنگارد که آن را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ گفتگوهای دینی شرق و غرب تلقی کرد. این رشته تحولات، نویسندگان مقاله حاضر را برانگیخت تا به بررسی چندوچون این مناظره‌ها و جدل‌های دینی به مثابه یک گفتگوی فرهنگی بپردازند. این گفتگو گرچه سرشت دینی داشت، به لحاظ بستر و زمانه آن، افراد و چهره‌های شریک در آن، زبان و نتایج حاصل از آن واجد ویژگی‌های منحصر به فردی بود که واکاوی آن‌ها می‌تواند ما را به شناخت دقیق‌تری از اهمیت و کیفیت آن رهنمون گردد. این پژوهش سرشت توصیفی-تحلیلی دارد و تلاش می‌شود با تکیه بر منابع دست اول زمینه تاریخی موضوع ترسیم و به این پرسش محوری پاسخ داده شود که این گفتگوها تا چه اندازه بازتاب سنت جدلی در اسلام بود و به چه نحو، زمینه فهم متقابل مسلمانان و مسیحیان را در آستانه عصر مدرن فراهم آورد.

پیشینه پژوهش

هند گورکانی از زوایای مختلفی برای پژوهشگران جذابیت داشته و گفتگوهای دینی یکی از این موضوعات جذاب بوده است. در میان پژوهشگران ایرانی، حائری از نخستین چهره‌هایی است که در یک فصل از اثر پیشرو خود، نخستین رویارویی‌ها... (۱۳۸۰) این موضوع را از چشم‌انداز تجربه تاریخی برخورد ایرانیان با استعمار بررسی کرده است. گزارش حائری دریچه‌ای جذاب و راه‌گشا به این حوزه می‌گشاید اما لایه‌های ژرف‌تری از موضوع در آن مغفول مانده است. صفت گل (۱۳۸۷): ۱۴۳-۱۳۳) به بهانه بررسی کتاب مجالس جهانگیری اطلاعات ارزنده‌ای درباره شخصیت عبدالستار لاهوری و کیفیت حضور مبشران مسیحی در مجالس مناظره دربار جهانگیر به دست داده است. به جز این پژوهش، دیگر تحقیقات مرتبط، یا سرشت دانشنامه‌ای و مقدمه‌وار دارند یا روایتی از موضوع

به دست داده‌اند که مبنای استنادی سستی دارد. رحمتی (۱۳۹۰، ۱۳۹۵) از معدود پژوهشگرانی است که به شکل معین بر مقوله مجادلات دینی مسلمانان و مسیحیان در دربار شاهان گورکانی تمرکز جسته، اما گزارش وی از منظری کلامی ارائه شده و آشکارا گرفتار سوگیری است. ضمن اینکه مبنای استنادی این گزارش پژوهش‌های ثانویه است.

در میان پژوهشگران غیرایرانی، آرنولف کمپس (Camps: 2000) در قالب چند مقاله به موضوع حضور مبشران مسیحی در دربار گورکانی و فعالیت‌های آن‌ها توجه کرده است. روایت کمپس از تجربه گفتگوهای دینی در دربار گورکانی سنخیت زیادی با موضوع پژوهش حاضر دارد، اما دغدغه وی واکاوی این تجربه از چشم‌انداز مسیحیت کاتولیک و در پیوند با یک موضوع گسترده‌تر یعنی تاریخچه تبشیر مسیحی در شرق است. کمپس اطلاعات ارزنده و روایتی خواندنی درباره زمینه اروپایی موضوع و کیفیت حضور و فعالیت آباء یسوعی و فرانسیسکن در دربار اکبر و جهانگیر به دست می‌دهد. این اطلاعات برای ترسیم یک نمای فراگیر سودمند و ضروری است. با این حال، تمرکز آن بر جنبه مسیحی این گفتگوها و جهت‌گیری نویسنده تبشیری است. در کنار کمپس شماری دیگر نیز در ضمن پژوهش‌های خود به این مقوله توجه داشته‌اند. از جمله، تیبورچیو (Tiburcio, 2020: 38-40) در تحقیقی که به تازگی درباره مجادلات دینی در ایران دوره صفوی انجام داده، گفتاری را نیز به زمینه این مجادلات در هند دوره گورکانی اختصاص داده است. هالیستر (۱۳۷۳) اشاره‌هایی به کیفیت حضور شیعیان در دربار گورکانی دارد اما فراتر از کلیات گام برنداشته است. فلورز (Flores, 2016) نیز در چایی که از رساله یک پادری یسوعی درباره دربار و خاندان جهانگیر به دست داده، به تأسی از محتوای رساله اصلی، گفتار مستقلاً درباره مجادلات دینی مسیحیان و مسلمانان نیاورده است، اما اطلاعات سودمندی درباره زمینه تاریخی نگارش این رساله به دست می‌دهد. در مقاله حاضر، می‌کوشیم با اتخاذ یک رویکرد توصیفی-تحلیلی ضمن ترسیم نمایی از بستر و بافتار شکل‌گیری گفتگوی جدلی میان مسلمانان و مسیحیان در هند گورکانی، کیفیت حضور نمایندگان این دو دین از منظر خاستگاه مذهبی یا فرقه‌ای، محتوای گفتگوها و مضامین آن‌ها را بررسی کنیم. تمرکز اصلی پژوهش بر تبیین سهم ایرانیان و زبان

فارسی در این گفتگوها و کارکردی است که در شکل‌گیری یک شناخت متقابل از دو طرف گفتگو داشته است. از نظر زمانی، کانون این بررسی دوره زمامداری جهانگیر شاه است که شاهد اوج گرفتن مجادلات دینی در دربار گورکانی بود.

زمینه تاریخی

پیشینه گفتگوی دینی میان مسلمانان و مسیحیان در قالب جدل و مناظره را می‌توان تا سپیده‌دم اسلام ردیابی کرد. آیاتی از قرآن مسلمانان را به احتجاج و «جدال احسن» تشویق می‌کند (آل عمران: ۶۱؛ نحل: ۱۲۵) و از این منظر، پیامبر را می‌توان پایه‌گذار سنت مجادله دانست. این سنت به موازات گسترش جغرافیایی اسلام و رویارویی مسلمانان با فرهنگ‌ها و ادیان دیگر اعم از مسیحی، یهودی، زرتشتی و غیره توسعه یافت و ابعاد تازه‌ای به خود پذیرفت. یکی از نخستین نمونه‌های این سنت در مواجهه مسلمانان با یوحنا دمشقی اتفاق افتاد. ۲ در اواخر سده دوم و آغاز سده سوم که با خلافت هارون الرشید (۱۹۳-۱۷۰ ه.ق.) و پسران وی هم‌زمان بود، فضای مساعدی بر این گفتگوها در دربار خلیفه فراهم گشت که در آن نمایندگان ادیان مختلف، از جمله ایرانیان زرتشتی حضور داشتند (مسعودی، ۱۳۸۲: ۱/۲؛ ۳۷۰؛ حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶: ۲۰۵؛ استخری، ۱۳۴۰: ۱۲۹-۱۲۸).^۳ در کنار خلفا، از سهم وزیران و دبیرانی چون یحیی بن خالد برمکی در این زمینه، به‌ویژه از نظر فراهم آوردن بستری برای حضور زرتشتیان، نباید غافل شد (چوکسی، ۱۳۹۳: ۴۵). یحیی برمکی که خود نیز در بحث‌ونظر دستی داشت، انجمنی از فلاسفه و متکلمان تشکیل داده بود که نمایندگان ادیان و مذاهب مختلف در آن حضور داشتند (مسعودی، ج ۲/۱۳۸۲: ۳۷۲-۳۷۳). نویسنده تاریخ طبرستان گزارشی از یک مناظره میان علویان از یک‌سو و هندوان و دیگر فرقه‌ها آورده است (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱/۱۳۵). اوج رونق این مناظرات که گاه سرشت کلامی-فلسفی داشت، در روزگار خلافت مأمون اتفاق افتاد که خود نیز در مجالس حضور فعالی داشت (زیدان، ۱۳۷۲: ۵۵۶-۵۵۷). حضور مانوی‌ها در این مجالس مناظره انتقاد برخی ناظران را برمی‌انگیخت که آن را به هواخواهی از زندقه و کژآیینی تفسیر می‌کردند (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۶۰۱).

یک نمونه جالب از این مناظرات میان مردان فرخ زرتشتی و نمایندگان ادیان یگانه‌پرست در گرفت (مردان فرخ، ۱۳۹۰: ۷۰-۷۹).^۴

نگرش روادار این خلفا به مجادلات دینی، حمایت مؤثرشان از مجالس بحث و جدل و تنوع کم‌نظیر نمایندگان ادیان و مذاهب مختلف شباهت زیادی به وضعیت هند دوره مورد بحث داشت؛ اما روزگار زمامداری گورکانیان شاهد تحولات دامنه‌داری در جهان بود که هند در پیشانی آن قرار داشت. از این نظر، موقعیت مسیحیان حاضر در مجالس گفتگو از اساس با تجربه هم‌کیشان آن‌ها در دوره خلافت عباسی تفاوت داشت. شور و هیجان ناشی از کشف جهان جدید، پرتغالی‌های کاتولیک را که طلا به‌دار استعمار مدرن بودند به سمت ذهنیتی سوق می‌داد که خود را در مقام نمایندگان دین برتر بیان‌کنارند.^۵ تعصب دینی پرتغالی‌های کاتولیک جلوه آشکاری در الگوی استعمارگری آن‌ها داشت. هم‌زمان، طیفی از باورمندان به مذهب کاتولیک در برابر جنبش اصلاح دینی، به تکاپو افتادند که ظهور فرق تبشیری با ماهیت اصلاح‌گرانه یکی از نتایج آن بود. در میان این فرقه‌ها، یسوعیان (ژزوئیت‌ها) جایگاه ویژه‌ای داشتند؛ این مبشران با همت و پشتکار کم‌مانندی، پیشگام گسترش تبشیر به شرق با یک رویکرد متفاوت شدند. در این رویکرد که بازخوردی از فضای متحول علمی در اروپای این روزگار بود، آموختن زبان و شناخت فرهنگ مردمان شرقی محوریت داشت. تحولی که زمینه ظهور گفتمان خاورشناسی را فراهم آورد. با این حال، مسیحیانی که در دربار شاهان گورکانی به تبلیغ آیین خویش همت گماشتند، فارغ از تعلق فرقه‌ای خود، سخت‌گرفتار نگرشی جزمی و تعصب‌آمیز بودند و شناخت پیشینی آن‌ها از اسلام و مسلمانان در چنبره این نگرش تعصب‌آمیز قرار داشت (Frycenberg, 2003: 34; Bayley, 1989: 244).

وجه امتیاز دیگر در مقایسه با تجربه دوره خلفا، زبان و فرهنگ غالب در دولت گورکانی و حضور پررنگ ایرانیان یا ایرانی‌تباران در این دولت بود. اگر در دوره خلفا زبان عربی واسطه اصلی گفتگوهای جدلی و کلامی بود، در این دوره زبان فارسی میانجی گفتگوها، چه شفاهی و چه مکتوب بود. ایرانیان حاضر در مجالس نیز خاستگاه دینی و نگرش‌های متفاوتی را نمایندگی می‌کردند. ابوالفضل علامی، وزیر اکبرشاه با جایگاهی محوری در حیات فرهنگی دربار گورکانی، هم‌چون

ولی نعمت خود، نگاه روادارانه‌ای به ادیان داشت. ۶ عبدالرحیم خان خانان، وزیر جهانگیر، از شیفتگان فرهنگ ایرانی و زبان فارسی و مشوق ادیبان و هنرمندان مهاجر ایرانی به هند بود (منصوری، ۱۳۹۴: ۱۹۴-۱۹۲). عبدالستار لاهوری در مقام ترجمان، دستیار مبشران کاتولیک و همزمان، ناظر و راوی مجالس بود. در میان نمایندگان ایرانی ادیان نیز هم پارسیان زرتشتی حضور داشتند، هم مسلمانان سنی و شیعه‌مذهب؛ بنابراین، این بخش از «مجالس جهانگیری» صحنه جالبی از تلاقی نگرش‌های دینی و فرهنگی بود که جلوه متمایزی از سنت مجادله دینی در اسلام را نمایندگی می‌کرد (لاهوری، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۷؛ ۷۰-۷۵).

محیط دینی هند گورکانی

هند دوره گورکانی بستر همزیستی تنوع کم‌نظیری از پیروان ادیان بود که برخی چون هندوها، بودایی‌ها و سیک‌ها ادیان بومی این سرزمین را نمایندگی می‌کردند و برخی دیگر چون مسلمانان و پارسیان بیشتر خاستگاه مهاجر داشتند. در این میان، مسلمانان به اعتبار دولت گورکانی از جایگاه و نفوذ سیاسی-فرهنگی برتری برخوردار بودند. با این حال، دولت گورکانی هند بر بنیاد رواداری دینی استوار بود؛ این سیاست تا حد زیادی بازتاب یک ضرورت بود. تدبیر شاهان متقدم گورکانی، تفاهم با راجپوت‌ها و مدارا با هندوان با هدف حفظ تعادل قدرت بود. پیوندهای خویشاوندی در این زمینه مؤثر بود. مادر جهانگیر که در هندوستان دختر راجه بهارمال حاکم جی‌پور بود (علامی، ۱۸۷۲: ۱/ ۲۲۲؛ نورالدین جهانگیر، ۱۳۵۹: ۱-۱۰). او با دختر یک راجپوت به نام جگت‌سنگه میز وصلت کرد (نورالدین جهانگیر، ۱۳۵۹: ۸۳). هندوهای زیادی چون راجه بکرماجیت، راجه مانسینگ، راجه مادهوسنگه، راجه جگناته، رانا شگنه، بیردا و راجه نرسنگه دیو در دربار وی به جایگاه بالایی رسیدند. در این دوره سادات بارهه نیز در رسیدن جهانگیر به قدرت کوشا بودند و تا اندازه‌ای در دربار او نفوذ داشتند گرچه خود را هندی می‌دانستند (معمدخان بدخشی، ۱۹۳۱: ۳۲۳-۳۲۹؛ Owen, 1912: 139-145). مناسبات جهانگیر با سیک‌ها، از فرقه‌های بانفوذ هندو به این کیفیت نبود. گورو هاگوبند رهبر وقت این فرقه به ستیز با جهانگیر برخاست اما ناکام ماند (ناس، ۱۳۵۴: ۲۱۴؛ شیمل، ۱۳۸۶: ۱۴۴-۱۴۳). در میان مسلمانان نیز پیروان طریقت نقشبندیه هوادار جهانگیر و پشتیبان وی

در مسیر دستیابی به قدرت بود (نورالدین جهانگیر، ۱۳۵۹: ۱۰-۱۵، ۳۸-۴۰. بدخشی، ۱۹۳۱: ۹۴، ۱۷-۱۸، ۸-۱۰). مسیحیان تا پیش از ظهور پرتغالی‌ها و تسلط آن‌ها بر جنوب هند نفوذ چندانی در هند نداشتند. این مسیحیان مشهور به «توماسی» پیروان فردی به نام قدیس توماس بودند که گویا در سده نخست میلادی همراه با کشتی‌های تجاری از خلیج فارس یا دریای سرخ به هند آمده بود (تاپار، ج ۱ / ۱۳۸۷: ۱۸۳؛ آریان، ۱۳۷۸: ۶۱).

مبشران مسیحی در دربار گورکانی

حضور مبشران مسیحی در دربار گورکانی نخستین بار در دوره پادشاهی اکبر اتفاق افتاد. این رخداد از یک سو نتیجه ترقی اقتدار شاه گورکانی و گسترش قلمرو وی به کرانه‌های جنوبی هندوستان و از سوی دیگر، بازتابی از علاقه شاه گورکانی به شناخت بهتر مسیحیت بود (Flores, 2016: 11-12; De Jarric, 2000: 8-9). پس از آگاهی اکبر از حضور فعال پرتغالی‌ها در گوا، سورات و دیگر بنادر جنوب هند، یک هیئت پرتغالی برای مذاکره و عقد قرارداد بازرگانی به دربار این شاه دعوت شد. در این هیئت، کشیشان یسوعی نیز حضور داشتند و اکبر علاقمند به کسب شناخت از این پادری‌های فرنگی بود، از حضور آن‌ها در پایتخت خود استقبال کرد (بدائونی، ۱۳۸۰: ۱۷۶-۱۷۷؛ لاهوری، ۱۳۸۵: ۵؛ شهردان، ۱۳۶۳: ۵۸؛ Eraly, 2004: 199-200). نخستین هیأت تبشیری یسوعی که به دربار اکبر بار یافت عبارت بودند از رودلفو آکواویوای ایتالیایی ۷، آنتونیو مونترزاته ۸ کاتالان و فرانسیسکو هنریکه ۹ پرتغالی که در هرمز زبان فارسی آموخته بود (Flores, 2016: 13). آن‌ها خوشبینانه امیدوار بودند با گرواندن اکبر به مسیحیت دستاورد بزرگی کسب کنند. ژروم گزاویه، چهره محوری پژوهش ما در سومین سفارت به سال ۱۵۹۵/۱۰۰۳ به همراه دو نفر دیگر به نام مانوئل پینیرو ۱۱ و بنتو دو گوا ۱۲ از گوا روانه دربار اکبر گشت. او چندین سال از عمر خود را در دربار اکبر و جهانگیر گذراند و به فرا گرفتن زبان‌های فارسی و سنسکریت، ترجمه کتاب مقدس و نگارش ردیه پر حجمش به زبان فارسی با عنوان آیین حق‌نما مشغول بود. نمایندگان دیگر فرق تبشیری مسیحی مانند فرانسیسکن‌ها نیز با وساطت یسوعیان انجام گرفت (Goddard, 2000: 120; Camps, 2000: 35, 61-62).

مسلمانان

دربار گورکانی در دوره جهانگیر پذیرای طیفی از علما و سادات مسلمان با خاستگاه‌های دینی و فرهنگی متفاوت بود. شماری از این علما و سادات ایرانیانی بودند که در همان سده نخست زمامداری صفویان، همپای گروه‌هایی از اهل هنر، صنعت‌گران، دیوانیان دگراندیش و اصحاب تصوف به هند هجرت کردند. ۱۳ البته مهاجرت نخبگان فرهنگی به هند پدیده تازه‌ای نبود و دربار حکام محلی مسلمان هند پیش از روی کار آمدن گورکانیان نیز پذیرای این مهاجران بود. تقی‌الدین محمد شوشتری (تقی‌ای شوشتری) از جمله ادبا و شاعران برجسته مقیم دربار اکبر و جهانگیر بود که در مجالس مناظره دربار گورکانی حضور داشت. او همشهری قاضی نورالله شوشتری، عالم شیعی برجسته و نویسنده کتاب مجالس المؤمنین بود که او نیز به هند آمد و خدمت گورکانیان کرد، اما به سرنوشت غم‌انگیزی گرفتار شد ۱۴. تقی‌ای شوشتری پیش از مهاجرت به هند چندی در شیراز اقامت جسته و نزد تقی‌الدین محمد مشهور به نسابه، عالم مشهور آن روزگار «کسب علوم [و]... حجج و براهین بکمال» نموده بود. سپس، او نیز همچون شماری دیگر از ادبا و دانشوران «لبیک‌زنان حاجی کعبه دل» گردیده، به سلک ارادتمندان سپهسالار پیوسته، در زمره شاگردان مولانا شکیبی اصفهانی درآمد که «از اعظام باریافتگان و مستعدان» دربار «فیض آثار» گورکانی بود. تقی‌ای شوشتری نزد مولانا شکیبی اصفهانی «جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول» گشت (نهایندی، ۱۹۲۵: ۳ / ۶۷۹-۶۸۲)؛ بنابراین، گرچه در دربار شاهان گورکانی به هنر شعر و ادب شناخته می‌شد، با علوم دینی نیز بیگانه نبود.

میرزاشکرالله (د. ۱۰۴۸ ق.)، دیگر عالم شیعه که در این گفتگوها حضور داشت، در شیراز پرورش یافت و پدرش از اعیان آن دیار بود. وی در ابتدای حیات فرهنگی خود به امور دیوانی اشتغال داشت و «همیشه در اردوی کیهان‌پوی پادشاهان عراق بمناسب مناسب در میان ارباب قلم و اهل سیاق ممتاز بود»؛ اما گویا در میان‌سال‌های آن شغل و معاش را رها کرد و «بصحبت طلبه و اهل علم شتافت» و نزد نسابه شیرازی تحصیل علوم دینی کرد. به نوشته نهایندی، میرزاشکرالله به جایگاه ممتازی در زمینه علوم دینی و فقه شیعه دست یافت و در آغاز جلوس شاه عباس یکم نیز مدتی

در «دارالسلطنه قزوین» ملازم او بود اما چندی بعد راه هندوستان در پیش گرفت و به برهان‌پور رفت (نهادندی، ۱۹۲۵: ۳/۲۷-۳۰). وی از آنجا به برهان‌پور هند مهاجرت کرد و به جرگه مصاحبان عبدالرحیم خان خانان، وزیر بانفوذ جهانگیر پیوست که حامی و مشوق اهل ادب و هنر بود. جهانگیر به او لقب افضل‌خان داد و مقبره‌اش در آگره به روضه‌چینی شهرت یافت. او را شخصی فاضل و مذهب اخلاق می‌دانسته‌اند (حسینی، ۱۹۷۸: ۵۳۷؛ نوایی، ۱۳۸۱: ۳/۲۳). میرغیاث‌الدین ملقب به نقیب‌خان، دیگر چهره شیعه حاضر در این مناظرات، از خاندان سادات سیفی قزوین بود و جایگاه ممتازی در دربار اکبر و جهانگیر داشت (علامی، ۱۸۷۲: ۱/۲۲۶؛ نورالدین جهانگیر، ۱۳۵۹: ۱۷-۱۵۰).^{۱۵} از عنوان «نقیب» می‌توان دریافت که فرد اخیر به احتمال زیاد در رأس جامعه سادات هند این روزگار قرار داشته است. از قرار معلوم، نقیب‌خان در یک نوبت نیز سفارتی را از جانب جهانگیر شاه به نزد فیلیپ سوم به انجام رسانده بود. ژروم گزایوه او را «عالم فرزانه و مورخی» وصف کرده است که با پرتغالی‌ها سر ستیز نداشت (Flores, 2016: 15-16). در برخی منابع وی آراسته به دانش و دانشمندی با همت وصف شده است (بدائونی، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۴. علامی، ۱۸۷۲: ۱/۲۲۶). سرانجام، ملاروزبه شیرازی چهره دیگری از ایرانیان حاضر در این مناظرات بود. نام وی را می‌توان نشانی از خاستگاه زرتشتی او قلمداد کرد اما شناخت بیشتری از وی نداریم (بدخشی، ۱۹۳۱: ۳۳۶؛ گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۲/۱۵۶۷). در کنار این مهاجران، چهره‌های ایرانی تبار و مسلمان دیگری نیز در این مجالس حضور داشتند که پرورده محیط فرهنگی شبه‌قاره هند بودند. عبدالستار لاهوری، پسر محمدقاسم فرشته مورخ مشهور، از برجسته‌ترین این شخصیت‌ها، به واسطه آشنایی با زبان پرتغالی و هم‌نشینی با مبشران یسوعی جایگاه ممتازی در این مناظرات داشت. لاهوری چهره‌ای آگاه به احوال جهان بود و در حکمت و فلسفه نیز دستی داشت. بخش زیادی از آگاهی خود درباره این گفتگوها را مدیون او هستیم که در اثر مهم خود، *مجالس جهانگیری*، روایتی از آن به دست داده است (لاهوری، ۱۳۸۵: ۲۴-۲۵؛ نورالدین جهانگیر، ۱۳۵۹: ۳۰۲-۳۰۳).^{۱۶} با این حال، در اغلب این روایت‌ها وی آشکارا به جایگاه خود محوریت داده است. چهره دیگر، عبدالرحیم خان خانان ملقب به اعظم‌خان است یک چهره بانفوذ در دربار جهانگیر بود. تبار خان خانان وی به امرای

قراقویونلو می‌رسید و پرورده محیط لاهور بود. وی که هوادار تشیع بود، از بزرگترین حامیان ادب و هنر ایرانی در هند گورکانی به شمار می‌رود. سرانجام، قاضی عیسی آگره‌ای، دیگر چهره شیعه حاضر در این مجالس در اکبرآباد یا آگره زاده شد و پرورش یافت. او نزد پدر خود ابوالفتح تهبانسیبری فقه آموخته بود و در زمره علمای شاخص دربار گورکانی به شمار می‌رفت (حسنی، ۱۳۶۶: ۵/ ۳۰۰).

مسیحیان

چهره شاخص مسیحی در دربار اکبر و جهانگیر گورکانی، ژروم گزایویه، مبشر یسوعی و خویشاوند فرانسویس گزایویه (۱۵۵۲-۱۵۰۵ م.) معروف بود که عضوی از حلقه اولیه اخوت یسوعی و از پیشگامان تبشیر مسیحی در هند سده دهم/شانزدهم به شمار می‌آمد (Goddard, 2000: 120). ۱۷. این ردیه منبع مهم دیگری است که به‌ویژه از نظر محتوای مجادلات دینی در دربار جهانگیر اهمیت دارد. دیگر هم‌کیشان یسوعی وی دوازده لیتائو ۱۸، جوزپه دی کاسترو ۱۹، گونزالس دو سوسا ۲۰ و گاسپار دا کونسی‌چائو ۲۱ نام داشتند (Camps, 2000: 61-62). در گروه مبشران فرانسیسکن نیز می‌توان به دو چهره اشاره کرد؛ مانوئل توبیاس ۲۲ که جایگاه محوری در مناظره‌ها داشت و خوا دی نازارت ۲۳ که با او همراه بود. از قرار معلوم، این دو پادری فرانسیسکن به نسبت همتایان یسوعی خود با زبان تند و تیز و بیان آشکارتری به نقد اسلام و دفاع از مسیحیت می‌پرداختند. با اینکه لاهوری در اشاره به توبیاس، نام وی را ذکر نکرده و به عنوان مبهم «دانایان فرنگ» بسنده کرده است، از محتوای گزارش وی و قرائن و شواهدی که کمپس به دست داده، مشخص است که منظور لاهوری همین پادری فرانسیسکن است. بر این اساس، پادری توبیاس رویکرد تعصب‌آمیزی به دفاع از دین خویش و نقد و نفی اسلام داشت. لحن وی گاه چنان تند و تیز بود که نمایندگان مسلمان در مجلس مناظره را به واکنش مشابه وامی‌داشت (لاهوری، ۱۳۸۵: ۷۰؛ Camps, 2000: 62-63). ۲۴. در کنار این مسیحیان، از «یوسف یهود» نامی نیز یاد شده که «به دستور جهانگیر صُحف ابراهیم را به فارسی ترجمه» کرد اما اشاره‌ای به حضور فعال وی در مناظره‌ها نیامده است (لاهوری، ۱۳۸۵: ۳۱۵).

محتوای گفتگوها

مجالس مناظره و مجادله‌ای که در دربار جهانگیر برگزار شد، پدیده بدیعی نبود. چنانکه پیش از این اشاره رفت، این گفتگوها بر شالوده‌ای کهن استوار بود که در سپیده‌دم اسلام بنیان نهاده شد. باین‌حال، در هر مقطع و بافتاری این گفتگوها می‌توانست جلوه متمایزی داشته باشد. مجادلات دینی دربار جهانگیر نیز از یک‌سو بازتاب تحولی بود که در مناسبات غرب مسیحی و شرق مسلمان اتفاق افتاده بود؛ به عبارت دیگر، حضور پرتغالی‌ها در جنوب هند هم‌زمان با سیطره خاندان مسلمان ببری بر شمال این سرزمین زمینه جدیدی برای این گفتگوها فراهم آورده بود. از سوی دیگر، ادامه روندی بود که اکبرشاه در چهارچوب دغدغه‌ها و علائق شخصی آن را آغاز کرده بود (Goddard, 2000: 120-121; Tiburcio, 2020: 38-40). آگاهی ما از محتوای مجادلات دینی دربار جهانگیر مدیون گزارش‌هایی است که عبدالستار لاهوری، ژروم گزاویه و چند مبشر دیگر مسیحی به دست داده‌اند. این گزارش‌ها بیان نگرش نگارندگان آن و طبعاً مستعد سوگیری دینی، تفسیر نادرست، کژنمایی یا بدفهمی از منظور طرف مقابل بوده است. لذا در بهره‌گیری از آن‌ها به مثابه منبع، باید به بافتار کلامی و زمینه تاریخی نگارششان توجه داشت. با همه اینها، از رهگذر بررسی دقیق مطالب آن‌ها می‌توان به چند مضمون محوری دست یافت. این مضامین در عین حال که جلوه‌ای از سنت مجادله دینی میان مسلمانان و مسیحیان را بازنمایی می‌کنند، بازتابی از فهم دو طرف مجادله از ادیان طرف مقابل و دغدغه‌های آن‌ها در یک روزگار متأخرند. نکته دیگری که باید در بررسی این گزارشها به آن توجه داشت، حضور مؤثر جهانگیر در متن گفتگوها و تأثیری است که این حضور بر جهت‌گیری مجادلات داشت. اگر اکبر در پیوند با دغدغه محوری‌اش یعنی «دین الهی» و صلح کل از این گفتگوها استقبال کرد، جهانگیر، هم نگرش دینی متفاوتی داشت و هم حضور پرتغالی‌ها در قلمرو خود را با نگرانی نظاره می‌کرد. طبق گزارش لاهوری، جهانگیر خواهان ارائه پاسخ‌های منطقی کوبنده به این پادری‌های فرنگی بود. کاری که به ادعای وی از علما مسلمان ساخته نبود (لاهوری، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۷، ۷۰)؛ اما گزارش لاهوری نیز همچون هر روایت دیگری می‌تواند آغشته به سوگیری و بزرگ نمایاندن سهم خود وی باشد. همچنانکه در گزارش گزاویه نیز جهت‌گیری آشکار است. این گزارش در قالب گفتگویی میان پادری مسیحی و

حکیم مسلمان و گاه با حضور شخص سومی که نماینده علما است، روایت شده، اما به قلم مبشر یسوعی نگارش یافته است.

۱- حقانیت و اثبات دین

یکی از مضامین محوری این مجادلات اثبات حقانیت ادیان و پیامبرانی بود که طرفین مجادله پیرو و هوادار آن‌ها بودند. در این زمینه، ژروم گزایوه برای اثبات ادعای خود در مبحثی مفصل به یک رشته دلایل عقلی و نقلی توسل جسته است. آشنایی ژروم گزایوه با زبان فارسی امتیاز بزرگی بود که او را قادر می‌ساخت در مناظرات با نمایندگان مسلمان به منطق و گفتگوی استدلالی بپردازد. او با انتقاد از اسلام و رسول مسلمانان برتری دین مسیح و شخصیت عیسی را در بازگو می‌کرد (آیینه حق‌نما: ۱۸۹-۲۶۳). در مجلس مناظره‌ای که به تاریخ «بیست و هفتم صفر هزار و نوزده» (۲۱ مه ۱۶۱۰) حول این مضمون شکل گرفت، «داناان عقی و نقلی هر کیش و مذهب، محمدیان و عیسویان و برهمنان هند و حکیمان دقیقه‌شناس الهی و طبیعی و ریاضی و هندسی، هر یک برپایه حالت و رتبت خویش در برابر» حضور داشتند. در ابتدای این مجلس، گزایوه «کتابی به عرض و طول آورده، به نظر مقدس گذرانیده، معروض داشته است که دوازده سال کامل شب‌ها به روز آورده و روزها به شب برده، این کتاب در اثبات حقیقت دین خویش نوشته‌ام و طرف بحث حکیم را ساخته، مقدمات طرفین مذمور کرده به دلایل عقلی و نقلی مدعا [ی] خود به ثبوت رسانید...». طبعاً منظور پادری از این کتاب، همان «آیینه حق‌نما»، ردیه است که از نظر تاریخ ادبیات جدلی مسیحیت و اسلام به زبان فارسی، شأن تقدم و جایگاه محوری دارد. جهانگیر خواستار آن شد که علمای حاضر به دعاوی «پادری زیرمونیمو شویر» که «سرامد داناان فرنگ‌زمین» بود، پاسخ بدهند. ملامحمدتقی شوشتری (تقی‌ای شوشتری) پیشگام شد و کوشید با زبان و روش کلامی پاسخ نماینده مسیحیت را بدهد. او مسئله قدیم و حادث بودن عیسی و این استدلال را پیش کشید که یک انسان نمی‌تواند هم واجب‌الوجود باشد هم ممکن‌الوجود.

پادری در پاسخ به این استدلال، حادث بودن عیسی را بر انسان بودن او و قدیم بودن او را بر «خداییت» عیسی بازگو می‌کند (لاهوری، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۰). طبق روایت لاهوری، پاسخ این علما

از نظر گزایه منطقی و استدلالی نبود و خان اعظم که در مجلس حضور داشت، عبدالستار را نماینده شایسته‌تری برای این مجادله می‌دانست. سلطان نیز این روش گفتگو را نپسندیده و از او خواست که وارد مناظره شود. عبدالستار سخن پادری مبتنی بر نسخه تحریف‌آمیزی از مسیحیت و انجیل دروغین می‌دانست (همان، ۳۱-۳۲). او با اشرافی که به زبان لاتین، انجیل و محتوای این مناظرات داشت، با اتخاذ یک روش کلامی-جدلی کوشید دعاوی پادری را به پرسش بکشد. سلطان نیز در مقام یک پرسش‌گر و داور کوشید خود را یک شخصیت بی‌طرف در مناظره نشان دهد. گزایه در دفاع از کیش خود به معجزات و آموزش‌های مسیح، ادعای اولویت عیسی و رد ادعای مسلمانان در تحریف کتاب مقدس پرداخته است (آیین حق‌نما: ۱۱۷-۱۸۹). در مجادله دیگری مانوئل تویباس ضمن ستایش دین خویش، انتقادهای گزنده‌ای به اسلام وارد می‌کند و مدعی می‌شود که «هرکه را عقل درست و دیده بینا است، دین محمدی نخواهد اختیار کرد». بار دیگر جهانگیر، عبدالستار را به میدان فرا می‌خواند و پاسخ او را می‌طلبد: «دیدم آن صلیب‌پرست نظر بر خُلُق کریم و غریب‌پرور آن حضرت کرده، پای از دایره ادب بیرون نهاده هر چه می‌خواهد در انکار دین محمد و نکوهش دین اسلام وامی‌گوید». در این مناظره، عبدالستار که خود راوی است، با یک رشته پرسش استدلالی، دعاوی پادری فرانسسیکن را به پرسش می‌گیرد و او را که گویا اشراف کافی به زبان فارسی هم ندارد، به این اعتراف وامی‌دارد که «دعاها می‌کنیم که خدا عبدالستار را به ما دهد و دین ما نصیب او شود.» (لاهوری، ۱۳۸۵: ۷۰-۷۱).

۲- معجزات و اصالت کتاب مقدس

مضمون محوری دیگر در این مجادله‌ها، معجزات منسوب به پیامبران دو دین بود؛ موضوع پرسامدی که در اغلب ردیه‌ها و جدل‌نامه‌های بعدی نیز تکرار شده است (Daniel, 1987: 256-257). زنده کردن مردگان، معجزه مشهور مسیح در مجلس چهل‌وهفتم به تاریخ بیست‌ویکم شعبان ۱۰۱۹ (۷ نوامبر ۱۶۱۰) موضوع بحث قرار می‌گیرد. در این مجلس، جهانگیر بحث را با پرسش از موضوع یادشده آغاز می‌کند و خان اعظم او را همراهی می‌کند. پاسخ‌های پادریان مسیحی، جهانگیر را قانع نمی‌کند. پرسش بعدی از اصالت انجیل است که پایه دعاوی

پادریان درباره معجزات بر آن استوار بود. خان اعظم اصالت انجیل موجود را به پرسش می‌گیرد و معتقد است که کتاب خدا نیست بلکه روایتی تاریخی است مانند سیره پیامبر و غیره که موالی به نقل از صحابه نوشته‌اند. پادری کوشش دارد استدلال بیاورد و در این زمینه از تورات شاهد می‌آورد؛ اما خان اعظم تورات مورد استناد وی را روایتی تحریف‌شده می‌داند (لاهوری، ۱۳۸۵: ۱۱۶-۱۱۷). طیف علما شامل قاضی عیسی آگره‌ای، مولانا شکرالله شیرازی، مولانا روزبه شیرازی و تقیای شوشتری اصل موضوع را تأیید کرده «عرض داشتند که... اعتقاد ما این است که انجیل در زمان حضرت عیسی بوده است و بر او نازل شده». در پاسخ پادری باز به معجزات و آموزش‌های عیسی، ادعای الوهیت او و رد ادعای مسلمانان در تحریف از کتاب مقدس می‌پردازد (آیین حق نما: ۱۸۹-۱۱۷). گفتگوی دیگر و پرسش دیگر در این مجلس از سوی سلطان از پادری درباره واقعی بودن کتاب انجیل مسیحیان و نویسنده آن بود که در نهایت جهانگیر سخنان و پاسخ پادری را منطقی نمی‌داند و نظر دیگر نمایندگان مسلمان را در این گفتگو جویا می‌شود. (لاهوری، ۱۳۸۵: ۱۱۶-۱۱۷). آیین حق نما: ۱۱۷-۳۲۳). جلوه دیگری از مباحث مذکور را می‌توان در مجادله‌ای که میان علمای دربار و سلطان درباره ناسخ و منسوخ قرآن می‌شود دید. در این گفتگو در توجیه پاسخ به پرسش جهانگیر شاه، ملا شکرالله و روزبه شیرازی معنی آیات را عمل و تلاوت آن را به لفظ می‌دانند و برای اثبات سخنان خود به کتاب تورات و انجیل استناد می‌کنند و اینکه این دو کتاب هم موافق این منسوخات بوده‌اند و اگر خدا یکی از آن آیات را به حکم منسوخ کند و بقیه را به حال خود گذارد با عقل بیگانگی ندارد (لاهوری، ۱۳۸۵: ۱۲۵-۱۲۶).

۳- جوهر وجودی مسیح

مضمون محوری دیگر در این مباحثات، جوهر وجودی مسیح و دعوی مبشران مبنی بر الوهیت پیامبر خود بود. ادعایی که ریشه در یکی از آموزه‌های محوری مسیحیت داشت و بر اساس آن، روح پروردگار در کالبد بشری مسیح تجلی یافته بود (Moltmann, 1993: 86-90). در این گفتگو، نقیب‌خان مسیحیت موجود را تحریف‌شده می‌دانست و آن را دین خود مسیح نمی‌داند. این استدلال نقیب‌خان ریشه در باوری جاافتاده داشت که بر اساس آن مسلمانان مسیحیت موجود در

روزگار خود را نسخه تحریف‌شده‌ای از دینی می‌دانستند که در قرآن تأیید شده و پیروان آن در زمره اهل کتاب شناخته می‌شدند. بانی این فساد از نظر وی یکی از «علمای یهود» بود که «به ظاهر از آیین موسوی تبرا نموده، لباس زهدان نصارا اختیار کرد» و این باورهای نادرست را در میان آنان رواج داد (لاهوری، ۱۳۸۵: ۵). گزارویه در گفتار مفصلی با شرح سیره و زندگی مسیح، ذات و سرشت منزه او و برتری و امتیازات مسیحیت نسبت به اسلام پرداخته، از دین خود دفاع می‌کند (آیینه حق‌نما: ۲۶۴-۳۲۳). در گفتگویی میان پادری گزارویه و ملا روزبه شیرازی، فرد اخیر با روش کلامی می‌کوشد پادری را به چالش بکشانند. پادری با همان روش جدلی به دعاوی ملا پاسخ می‌دهد؛ اما این مجادله در نهایت با ورود سلطان به میدان بحث و ارائه استدلال‌های منطقی وی پایان می‌یابد (لاهوری، ۱۳۸۵: ۸۶-۸۷؛ آینه حق‌نما: ۱۸۹-۲۶۴). محورهای اساسی در این مجادله را می‌توان حول این سه مضمون برشمرد: عیسی نمی‌تواند پسر خدا باشد چون خدا یک ذات بود در خودش و او تنها پیامبر خدا بود. دوم آنکه مریم مادر عیسی باکره نبود، سوم آنکه چهره عیسی که پیامبر خدا بود نباید نشان داده شود زیرا «اسلام و رسول آن محمد با هر گونه ساختن مجسمه و شمایل پیامبران و قدیسین مخالف بود و آن را کفر می‌دانست.» جهانگیر از موضعی روادارانه می‌کوشد تا حقیقت امر را از پادری جویا شود و خود برای آن پاسخی آورد (لاهوری، ۱۳۸۵: ۵، ۳۵-۳۶).

۴- نسبت مسیح و مریم

مسئله کیفیت تولد عیسی مسیح و باکرگی مریم مقدس دستمایه دیگری برای مجادله میان مسلمانان و مسیحیان بود. در مجلسی که حول این مضمون تشکیل شد، سلطان جهانگیر، نقیب‌خان و عبدالستار طرف گفتگوی ژروم گزارویه‌اند. جهانگیر و ملازمان وی این پرسش را پیش می‌کشند که چرا مسیحیان عدت زن پس از مرگ شوهر را نگه نمی‌دارند. پادری در پاسخ کوشش دارد استدلالی و منطقی پاسخ دهد (لاهوری، ۱۳۸۵: ۴-۵؛ ۷۶-۷۷). در واقع پادری می‌کوشد برای حکم شرعی دین خود توجیه بیاورد و مسلمانان در نهایت نمی‌پذیرند و این سخن پادری را موجب فساد می‌دانند. از برخی «ناخوشی‌های فرنگیان» و تعصب آنان نسبت به یهودیان نیز سخن می‌رود که نقیب‌خان، سادات خان و خود سلطان تاکید دارند که تعصب این دو گروه مسیحی و یهودی به

اندازه‌ای بود که در پی کشتن یکدیگر بر آمدند (همان: ۵). در پاسخ به این مسئله، گزاریه کوشیده است با ارائه گزارشی از زمینه تولد و پرورش پیامبر خود، پرداختن به مباحث خدانشناسی و نیاز آدمیان به پیامبران پاسخ رقبای مسلمان را بدهد (آیینه حق نما: ۱-۱۱۶).

نتایج پژوهش

گفتگوی دینی که در دربار گورکانی میان مسیحیان و مسلمانان جریان یافت، دستاوردهای معینی برای دو طرف گفتگو داشت. در مرتبه نخست، زمینه یک شناخت و فهم متقابل از مسلمانان و مسیحیان را در آستانه روزگار مدرن فراهم آورد. روزگاری که شاهد دگرگونی‌های اساسی در مناسبات شرق و غرب بود و طلوع آن، حضور مبشران یسوعی پایه‌پای دربانوردان استعمارگر پرتغالی در حوزه اقیانوس هند بود. این مبشران در کی نسبتاً خام و سخت تعصب‌آلود از شرق اسلامی داشتند که بازتابی از نگرش حاکم بر مسیحیت کاتولیک در این روزگار بود. طبعاً همه این مبشران رویکرد یکسانی به تبلیغ مسیحیت نداشتند و خطمشی آن‌ها بسته به خاستگاه تبشیری‌شان تفاوت داشت. چنانکه در این مجالس نیز لحن و رویکرد یسوعیان با فرانسیسکن‌ها یکسان نبود. تجربه‌های مشابهی که در ممالک مستعمره آمریکا و آفریقا داشتند، مشوق آن‌ها بود؛ اما چنانکه در گزارش‌های لاهوری و گزاریه بازتاب یافته، در شبه‌قاره هند مجال چندانی برای پیروزی چشمگیر آن‌ها نبود و حضورشان با پرسشگری جدی مخاطبان و احیای سنت مجادله در قالبی تازه همراه بود. حتی اهتمام مبشر نستوهی چون ژروم گزاریه در آموختن زبان و نگارش ردیه حجیم‌اش به زبان فارسی -البته به دستیاری عبدالستار لاهوری، دستاورد مطلوب او را به دنبال نداشت. با این حال، آیینه حق نما و دیگر نوشته‌های جدلی گزاریه، مبنای تازه‌ای برای مجادلات مسیحی-اسلامی فراهم آورد که جلوه‌ای از آن خیلی زود در ایران صفوی نمود یافت. سیداحمد بن زین‌العابدین علوی عاملی، از علمای شاخص شیعه مقیم اصفهان، ردی‌های با نام مصقل صفا در تجلیه و تصفیه آیینه حق نما در پاسخ به آن نوشت و علیقلی جدیدالاسلام نیز در نگارش سیف‌المؤمنین خود از آن تأثیر پذیرفته بود. افزون بر این، در دربار جهانگیر و به سفارش وی، انجیل و دیگر کتب دینی مسیحی به فارسی برگردانده یا نوشته شد و زمینه شکل‌گیری یک ادبیات دینی و جدلی به این زبان فراهم

گشت؛ بنابراین، فهم متقابل و روزآمد مسلمانان و مسیحیان و شکل‌گیری یک ادبیات جدلی مسیحی-مسلمان به زبان فارسی دو دستاورد مهم این گفتگوها بود که به سهم خود بستری برای تکوین گفتمان شرق‌شناسی فراهم کرد؛ اما تغییر دین شاهان گورگانی و به تبع آنان، جمعیت مسلمان هند تحقق نیافت. هدفی که اولویت اصلی مبشران فرنگی و بازتابی از شناخت اندک و سطحی آن‌ها از هند مسلمان بود.

چنانکه در این پژوهش نمایانده شد، آغاز حکومت گورکانیان بر هند با ظهور استعمارگران پرتغالی و همقطاران آن‌ها در کسوت مبشر در کرانه‌های جنوب غربی شبه‌قاره کمابیش همزمان بود. این همزمانی آثار و نتایج داشت که یک جلوه معنادار آن را در حوزه مجادلات دینی می‌توان بررسی کرد. برخی از شاهان گورگانی و در رأس آن‌ها جلال‌الدین اکبر و نورالدین جهانگیر نگرش روادارانه‌ای به مقوله دین و مذهب داشتند و در جهت پی افکندن یک نظام دینی بدیع گام برداشتند. این شاهان در دربار خود پذیرای طیف متنوعی از علما، ادیبان، مورخان و حکما از ادیان و مذاهب گوناگون بودند که یادآور مجالس مناظره و گفتگو در سده‌های نخست اسلامی بود. حضور مبشران مسیحی اعم از یسوعی، فرانسیسکن، اگوستینی و غیره در هند این روزگار و کنجکاوی سلاطین هند برای شناخت آن‌ها، بُعد تازه‌ای به این مجالس مناظره بخشید و زمینه شکل‌گیری یک ادبیات جدلی جدید را فراهم آورد. این ادبیات جدلی گرچه بر مدار سنت جدلی پیشین میان مسلمانان و مسیحیان جریان یافت، هم از نظر زبان و هم به لحاظ نگرش دینی دو طرف، واجد تمایزهایی بود. رسمیت زبان فارسی در دربار و دستگاه حاکمه گورگانی اقتضا می‌کرد که این ادبیات به زبان فارسی تکوین یابد. مبشر برجسته‌ای چون ژروم گزایوه به همین منظور چند سال از عمر خویش را به آموختن این زبان و نگارش آثاری به آن گذراند. ادبیات جدلی که از این رهگذر شکل گرفت خود چهارچوبی شد برای تکوین یک جریان ردیه‌نویسی جدید به زبان فارسی که تا چند سده بعد در هند و ایران ادامه یافت. در عین حال، بررسی محتوای این گفتگوها و ردیه‌ها از چند واقعیت حکایت دارد؛ نخست اینکه، به رغم گونه‌گونی منحصر به فرد فرهنگی و دینی در هند که جلوه‌ای از آن را در مجالس دربار جهانگیر شاهد بودیم، مسلمانان طرف اصلی دعاوی مبشران مسیحی بودند.

بی‌تردید میان مبشران مسیحی و نمایندگان دیگر ادیان هند نیز گفتگو جریان داشته است؛ اما به اعتبار سروری سیاسی و فرهنگی مسلمانان، شاه گورکانی و دربار وی مخاطب اصلی این مجادله بودند. دوم اینکه در جناح مسلمانان رویکرد یکسانی در مواجهه با گفتمان تبشیری جدید حاکم نبود؛ شاه و کارگزاران حکومتی دغدغه اقتدار سیاسی و مشروعیت خویش داشتند، علما از منظر کلامی-الهیاتی و با تکیه بر شناختی که از نص و سنت داشتند به دفاع از دین و پیامبر خویش برخاستند و دانشورانی چون عبدالستار لاهوری زبان حکمت و استدلال منطقی را بُرنده‌تر و کارآمدتر تشخیص می‌دادند. در عین حال، این مجالس میدان رقابت و خودنمایی افرادی بود که به نمایندگی از اصناف وزرا، علما، سادات و حکما، می‌بایست در محضر سلطان، هم از دین دفاع می‌کردند و هم وجهه خویش را پاس می‌داشتند. البته در روایت لاهوری از این مناظره، آشکارا جهت‌گیری راوی به برکشیدن جایگاه خویش در این رویارویی قابل بررسی است؛ اما در روایت گزایه نیز سهم «حکیم» برجسته شده است و از روح حاکم بر این مجادلات حکایت دارد. روحی که می‌توان آن را بازتابی از دگرگونی در مناسبات مسلمانان و مسیحیان در آستانه عصر استعمار تعبیر کرد. از چشم‌انداز تاریخ جهانی، این مناظره‌ها نمایی جالب از نخستین رویارویی‌های استعمارگران و مردمی ترسیم می‌کنند که قرار بود در طول دو سده بعد هویت استعمارزده بیابند. همچنین، شناختی از درک اولیه و نسبتاً خام مبشران کاتولیک از مسلمانان در روزگار پس از جنگ‌های صلیبی و اخراج همکیشان آن‌ها از اسپانیا و نگرش طیف‌های مختلف حاضر در جناح مسلمان این گفتگوها به مبشران و دعاوی آن‌ها به دست می‌دهد.

پی‌نوشت

۱- برای یک بررسی گاهشمارانه از این دودمان‌ها و سلسله‌های مسلمان بنگرید به: باسورث، ۱۳۸۱: ۵۷۱-۶۲۱.

۲- در زمینه پیشینه مجادلات دینی میان مسلمانان و مسیحیان در دوره اموی و عباسی بنگرید به: کراوس و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۴-۲۵.

۳- نیز بنگرید به: گردیزی، ۱۳۶۳: ۱۵۸-۱۷۰، ۲۸۷-۲۹۴؛ یعقوبی، ۱۳۸۲: ۲/ ۴۱۲، ۴۴۱-۴۴۲، ۴۶۹-۴۷۰، ۴۹۳-۴۹۴؛ طبری، ۱۳۶۳: ۱۲/ ۵۲۲۷-۵۲۳۱، ۵۴۰۷-۵۴۲۵، ۵۴۵۰-۵۴۵۱؛ ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۲/ ۳۹۸-۴۲۹؛ ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۸/ ۳۴۷۶-۳۴۷۷، ۳۶۲۶-۳۶۲۷، ۳۷۴۶-۳۷۵۲؛ شهردان، ۱۳۶۰: ۹۵-۹۶؛ صفا، ۱۳۶۹: ۱/ ۱۷-۲۲-۲۳.

۴- در این زمینه بنگرید به: بويس، ۱۳۷۷: ۲۴۰؛ زرین کوب، ۱۳۴۴: ۳۳۲-۳۳۳؛ آریان، ۱۳۷۸: ۱۵۲.

۵- در سده هفدهم میلادی/یازدهم هجری موج تازه‌ای از استعمار اروپایی، مجهز به دانش و فنآوری جدید به شبه‌قاره هند و بخشهایی از جهان اسلام را گشود. هلندی‌ها، فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها که مذاهب متفاوتی با هم‌کیشان پرتغالی خود داشتند، با تأسیس نهادهای تجاری مدرنی موسوم به «کمپانی هند شرقی»، هر یک با روشی ویژه خود به گسترش قلمرو استعماری خود در این سرزمین روی آوردند. هلند در جنوب شرقی آسیا به بسیاری از مستعمره‌های پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها چیره گشت، انگلیس و فرانسه نیز در شبه‌قاره هند جای پرتغال را گرفتند. هلندی‌ها با ساماندهی بهتر و همچنین، با کشتی‌ها و تجهیزات نظامی پیشرفته‌تر از پرتغالی‌ها به میدان آمدند. آنان همان اهداف پرتغال را دنبال کردند که در اختیار گرفتن تجارت راهبردی ادویه بود و با تقویت موقعیت خود در جاوه به این هدف دست یافتند. پیشقراولان استعمار انگلیس نیز با تأسیس کمپانی هند شرقی این کشور در سال ۱۶۰۰ میلادی همان اهداف و آرزوهای هلندی‌ها را در حیطه تجارت جهانی پی گرفتند. در این میان رقابت میان پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها بر سر انحصار بازرگانی جنوب هند بود. در این زمینه بنگرید به: اسپیر، ۱۳۸۷: ۲/ ۸۳-۸۴؛ حائری، ۱۳۸۰: ۶۱؛ Walsh,

2006:88; Ricklefs, 2008: 28-29.

۶- درباره ابوالفضل علامی و جایگاه ممتاز وی در فرهنگ ایران‌گرای دربار گورکانی بنگرید به:

Encyclopaedia Iranica, s.v. "ABU'L-FAZL 'ALLĀMĪ" retrieveable in: <https://iranicaonline.org/articles/abul-fazl-allami-historian>; " Tavakoli Targhi, 2001: 86-99

7. Rudolfo Aquaviva

8. Antonio Monserrate

9. Fransisco Henriques

۱۰- درباره فرقه تبشیری یسوعیان (ژزوئیت) بنگرید به ناس، ۱۳۵۴: ۴۶۲-۴۶۳؛ حائری، ۱۳۸۰: ۴۷۱ و نیز:

Ryan, 1966: 759-760; Thurston, 1974: 824-825; Walsh, 2006: 88; Pollen, 2007: 284-286.

11. Manuel Pinheiro

12. Bento de Gois

۱۳- شرح مفصل زندگی و مآثر شماری از این مهاجران را نهبوندی در مآثر رحیمی آورده است: نهبوندی، ۱۹۲۵: ج ۳.

۱۴- قاضی نورالله شوشتری در ۹۹۳ قمری از مشهد روانه هند گشت و مورد استقبال اکبرشاه قرار گرفت. اکبر او را به منصب مهم قاضی القضاة لاهور گماشت و به همین مناسبت پس از آن به «قاضی» مشهور گشت. قاضی نورالله به شرطی این مقام را پذیرفت که بتواند مطابق یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت به رای خود فتوی دهد و تابع مذهب معینی نباشد. با چنین اختیاری وی بر اساس فقه امامیه و اجتهاد خود حکم صادر می کرد. با مرگ اکبر، قاضی نورالله، پشتوانه خود را از دست داد و به سعایت جمعی از علمای تنگ نظر دربار جهانگیر گرفتار آمد و با همراهی وی، در حالیکه هفتاد سال سن داشت، زیر تازیانه حدی که فقهای مذکور برایش بریده بودند، به سال ۱۰۱۹ ه.ق. کشته شد (علامی، ۱۸۷۲: ۱/ ۲۳۰-۲۳۴؛ نورالدین جهانگیر، ۱۳۵۹: ۸۳؛ بدائونی، ۱۳۷۹: ۳/ ۱۴۳).

۱۵- برای نمونه بنگرید به: بدخشی، ۱۹۳۱: ۸۱. حسینی، ۱۹۷۸: ۱۸۵-۱۸۶؛ شاهنوازخان، ۱۸۹۰: ۸۱۲-۸۱۷. گلچین معانی، ج ۲/ ۱۳۶۹: ۱۴۵۶-۱۴۵۸.

۱۶- در حدود سال ۱۰۰۰ هجری به دستور جلال‌الدین اکبرشاه مدرسه‌ای در لاهور، اقامتگاه تابستانی‌اش، تأسیس شد تا شاهزادگان تیموری نزد مبشران مسیحی زبان پرتغالی بیاموزند. عبدالستار نیز به احتمال زیاد از ملازمان این مدرسه بوده، نزد ژروم گزاویه شاگردی کرده است. او در نگارش زندگی‌نامه مسیح با عنوان مرآت‌القدس دستیار پادری یسوعی بود (لاهوری، ۱۳۸۵، مقدمه مصحح؛ Eraly, 2004:199-200 درباره شخصیت چندوجهی عبدالستار لاهوری و دیگر آثار وی افزون بر مقدمه مصحح مجالس جهانگیری (صص بیست‌وچهار تا پنجاه‌وچهار) بنگرید به: نورانی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۱۸-۱۲۶. همچنین، رونوشت ناقصی از کتاب مرآة‌القدس در گنجینه نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۴۸۹۶۱-۱۰ قابل‌بازیابی است.

۱۷- ژروم گزاویه در سال ۱۵۴۹ م. در ناوار اسپانیا زاده شد. او لیسانس فلسفه را در دانشگاه آلكالا گرفت و در سال ۱۵۶۸ م. به انجمن آبای یسوعی (ژزوئیت) پیوست. وی طی پنج سال مطالعات فلسفی و الهیاتی خود را تکمیل کرد و پس از گذراندن یک دوره آموزش نزد کشیشان کاتولیک، در سال ۱۵۸۱ م لیسبون را به مقصد بندر گوا، پایگاه استعمار پرتغال در اقیانوس هند، ترک کرد. او که مدتی ریاست کالج باسین و از سال ۱۵۸۶ تا ۱۵۹۲ م. ریاست دانشگاه کوشین را برعهده داشت، در فاصله سالهای ۱۵۹۲ تا ۱۵۹۴ م. میزبان آبای یسوعی در گوا بود و سپس به مدت بیست سال مقیم دربار جلال‌الدین اکبر و نورالدین جهانگیر بود. در این مدت نسبتاً طولانی، به آموختن زبان فارسی روی آورد که زبان دیوانی دستگاه حاکمه گورکانیان بود و هدف غایی‌اش ترجمه کتاب مقدس و نگارش آثار تبلیغی و جدلی مسیحی به این زبان بود. وی از ابتدای حضور در هند، کمر به خدمت کلیسای کاتولیک بست و در این مدت، افزون بر خدماتی که از رهگذر نگارش آثارش به انجام رساند، زمینه آشنایی پادشاهان گورکانی، ملازمان دربار ایشان و طیفی از نخبگان مسلمان با روایت جدیدی از مسیحیت را فراهم آورد. او در ۱۶۱۷ م. درگذشت در حالیکه به جانشینی اسقف اعظم کرانگانور برگزیده شده بود. رخدادی که خبر آن را دریافت نکرد.

Camps, 2000: 34-46; Tiburcio, 2020: 38-40;

18. Duarte Leitão

19. Josepe di Castro
20. Gonçalves de Sousa
21. Gaspar da Conceição
22. Manuel Tobias
23. João de Nazareth

"از جمله دانایان فرنگ یکی که به تعصب و درشت‌گویی و تندی مزاج ممتاز است، در ملازمت ایستاده ستایش دین خویش و نکوهش دین اسلام می‌کرد." (لاهوری، ۱۳۸۵: ۷۰)

۲۴- درباره علوی و سهم وی در ردیه‌نویسی دوره صفوی بنگرید به: خاتون‌آبادی، ۱۳۸۴: مقدمه مصحح.

منابع و مطالعات

قرآن کریم.

ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۳). الکامل فی التاریخ. برگردان سید محمد حسین روحانی. تهران: انتشارات اساطیر.

ابن اسفندیار (۱۳۲۰). تاریخ طبرستان. به تصحیح عباس اقبال آشتیانی. به اهتمام محمد رمضان، دو جلد. تهران، کلاله خاور.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۳۸۱). الفهرست. ترجمه محمد رضا تجدد. تهران: انتشارات اساطیر.

ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۸۳). العبر. (تاریخ ابن خلدون). ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

آریان، قمر، (۱۳۷۸). چهره مسیح در ادبیات فارسی. تهران: انتشارات سخن.

اسپیر، تامس جورج پرسیوال (۱۳۸۷). تاریخ هند. جلد دوم. ترجمه همایون صنعتی زاده. قم: نشر ادیان.

استخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۴۰). مسالک و الممالک. به اهتمام ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

اصفهانی، حمزه (۱۳۴۶). تاریخ پیامبران و شاهان. ترجمه جعفر شعار. تهران. انتشارات بنیاد و فرهنگ ایران

آیین‌ها حق‌نما. نوشته زیرونیمو شویر [ژروم گزاویه]، نسخه خطی شماره ۱۰۳۵۱. کتابخانه مجلس. باسورث، ادموند کلیفورد (۱۳۸۱)، سلسله‌های اسلامی جدید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

بدائونی، عبدالقادر (۱۳۷۹-۸۰). منتخب التواریخ. سه جلد. به تصحیح مولوی احمد علی صاحب با مقدمه و اضافات توفیق سبحانی. تهران. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

بویس، نورا الیزابت مری (۱۳۷۷). تاریخ کیش زرتشت. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. بی‌جا. انتشارات صفی‌علیشاه.

تاپار، رومیلا (۱۳۸۷). تاریخ هند. جلد اول. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. قم. نشر ادیان. جهانگیر نورالدین محمد (۱۳۵۹). جهانگیرنامه یا «توزک جهانگیری». به کوشش محمد هاشم، تهران. بنیاد فرهنگ ایران.

چوکسی، جمشید گرشاسپ (۱۳۹۳). ستیز و سازش. ترجمه نادر میر سعیدی. چاپ هفتم. تهران. انتشارات ققنوس.

حائری، عبدالهادی (۱۳۸۰). نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایرانی با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی غرب. تهران. انتشارات امیرکبیر.

حسینی، عبدالحی بن فخرالدین (۱۳۶۶-۷۸). نزهه الخواطر و بهجه المسامح النواظر. هفت جلد. چاپ اول، حیدرآباد دکن. مطبع مجلس دایره‌المعارف العثمانیه.

حسینی، خواجه کامکار (۱۹۷۸). مآثر جهانگیری. تصحیح. مقدمه و تعلیقات عذرا علوی. بمبئی. شعبه تاریخ علیگر، مسلم یونیورسیتی. ایشیا پبلشنگ هاوس.

خاتون‌آبادی، میرمحمدباقر بن اسماعیل حسینی، ترجمه اناجیل اربعه، به کوشش رسول جعفریان، تهران: انتشارات میراث مکتوب، ۱۳۸۴ (مقدمه مصحح).

رحمتی، محمد جواد (۱۳۹۰). «یسوعیان تبشیری در دربار گورکانیان هند». مجله فقه و تاریخ تمدن. ش ۳۰.

رحمتی، محمد جواد (۱۳۹۵). «خود شیفتگی جلال‌الدین اکبر گورکانی در تعامل با ژزوییت‌ها و دین الهی»، مجله پژوهش‌های ادیانی. ش ۷.

زیدان، جرجی، (۱۳۷۲). تاریخ تمدن اسلام. ترجمه و نگارش علی جواهر کلام. تهران. امیر کبیر. شاهنوازخان، صمصام الدوله (۱۸۹۰). مآثر الامرا. تصحیح مولوی میرزا اشرف علی. جلد اول. کلکته. شه‌مردان، رشید (۱۳۶۰). تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان. نوبت اول. تهران، راستی. شه‌مردان، رشید (۱۳۶۳). تاریخ زرتشتیان و فرزندانگن زرتشتی. تهران. انتشارات فروهر. شیمل، آنه ماری (۱۳۸۶). در قلمرو خانان مغول. ترجمه فرامرز نجد سمیعی. تهران. امیر کبیر. صفا، ذبیح الله (۱۳۶۴-۶۹). تاریخ ادبیات در ایران. تهران. انتشارات فردوس.

صفت گل، منصور (۱۳۸۷)، «مجالس جهانگیری: متنی مهم برای پژوهش درباره فرهنگ درباری هندوستان در دوره شکوه»، آینه میراث، سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۴۱، صص ۱۳۳-۱۴۳. طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۳). تاریخ طبری «تاریخ الرسل و الملوک». ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران. انتشارات اساطیر.

علامی، ابوالفضل (۱۸۷۲). آیین اکبری. به تصحیح بلخمن. جلد یک. چاپ کلکته. علوی عاملی، می‌رسید احمد (۱۳۷۳ ش/ ۱۴۱۵ ه ق). مصقل الصفا. قم. چاپ حامد ناجی اصفهانی. کرواس، پل و دیگران (۱۳۹۱). فرهنگ ایرانی، اندیشه یونانی. ترجمه سید مهدی حسینی اسفید واجانی، تهران. نشر علم.

گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن محمود (۱۳۶۳). زین الاخبار (تاریخ گردیزی). به تصحیح عبدالحی حبیبی. تهران، نشر دنیای کتاب.

گلچین معانی، احمد (۱۳۶۹). کاروان هند. دو جلد. خراسان. موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

لاهوری، عبدالستار بن قاسم (۱۳۸۵). مجالس جهانگیری. «مجلس‌های شبانه دربار نورالدین جهانگیر». تصحیح عارف نوشاهی و معین نظامی. چاپ اول. تهران. میراث مکتوب. مردان فرخ اورمزداد (۱۳۹۰). شکند گمانیک ویچار «گزارش گمان شکن»، ترجمه صادق هدایت. بی‌جا، بی‌نا.

مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۸۲). مروج الذهب و معادن الجواهر. ترجمه ابوالقاسم پاینده. دو جلد. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

معمدخان بدخشی، (۱۹۳۱ م). اقبال نامه جهانگیری. به تصحیح مولانا مولوی محمد رفیع صاحب فاضل دیوبند. شانی پریس، الله‌آباد.

منصوری، سیدامیر (۱۳۹۴) «سندی به خط عبدالرحیم خان خانان، سپاهسالار اکبرشاه گورکانی»، نامه فرهنگستان، ویژه شبه‌قاره هند، شماره ۵، پاییز و زمستان، صص ۱۹۱-۲۰۲.

ناس، جان بایر (۱۳۵۴). تاریخ جامع ادیان. ترجمه علی اصغر حکمت. تهران. انتشارات پیروز. نوایی، عبدالحسین (۱۳۸۱). مآثر رحیمی. بخش سوم. زندگی نامه‌ها. تهران. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

نهایوندی، ملاعبدالباقی (۱۹۲۵)، مآثر رحیمی، به سعی و تصحیح محمدهدایت حسین، کلکته: انجمن آسیایی بنگاله (چاپ سنگی)، جلد سوم.

نورانی‌نژاد، ستایش (۱۳۸۸). «عبدالستار لاهوری و نسخه خطی سمره الفلاسفه»، آینه میراث، دوره جدید، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان (پیاپی ۴۴)، صص ۱۱۷-۱۳۵.

هالیستر، جان نورمن (۱۳۷۳). تشیع در هند. ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدنی. تهران. مرکز نشر دانشگاهی.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۲). تاریخ یعقوبی. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. دو جلد. تهران. انتشارات علمی و فرهنگی.

- Bayley, Susan (1989). *Saints, Goddesses and Kings*, London: Cambridge University Press.
- Camps, Arnulf (2000). *Studies in Asia Mission History*. 1956-1995. Brill. Leiden.
- Daniel, Norman (1987). "Polemics; Christian-Muslim Polemics", *Encyclopedia of Religion*, ed. M. Eliade, New York.
- De Jarric, Pierre (1926). *Akbar and the Jesuits, An Account of the Jesuit Missions to the Court of Akbar*, London & New York, Routledge Curzon.
- Encyclopaedia Iranica, s. v. "ABU'L-FAZL 'ALLĀMĪ" retrieveable in: <https://iranicaonline.org/articles/abul-fazl-allami-historian>;
- Eraly, Abraham (2004). *The Mughal Throne: The Saga of India's Great Emperors*. Weidenfeld & Nicolson, London.
- Frycenberg, R.E. (2003). *Christian and Missionaries in India*, London: Routledge Curzon.
- Goddard, Hugh (2000). *A History of Christian-Muslim Relations*, Britain: Edinburgh University Press.
- Jorge Flores (2016). *The Mughal Padshah, A Jesuit Treatise on Jahangir's Court and Haushold*, Leiden: Brill
Koln. Boston.
- Moltmann, Jürgen (1980). *The Trinity and the Kingdom, the Doctrine of God*, Fortress Press.
- Owen, Sidney (1912). *The Talls of the Magul Empire*. London. John Murras.
- Pollen, J. H. (2007). "Jesuits, *The Society of Jesus*", *Encyclopedia of Missions and Missionaries*, ed. By Jonothan J. Bonk, New York: Routledge.
- Ricklefs, M.C (2008). *A History of Modern Indonesia since 1200*, Stanford: Stanford University Press.
- Ryan, J.K (1966). Francis Xavier. *Encyclopedia Americana*,
- Tavakoli Targhi, M. (2001). *Refashioning Iran: Orientalism, Occidentalism and Historiography*, London & Ne York, Palgrave.
- Thurston, H (1974). *Jerome Xavier*. *Encyclopedia of Religion & Ethics (ERE)*, ed. By James Hastings, vol. XII.
- Walsh, E Judith (2006). *A Brief History of India. 2nd ed. P. CM*. State University of New York old Westbury.